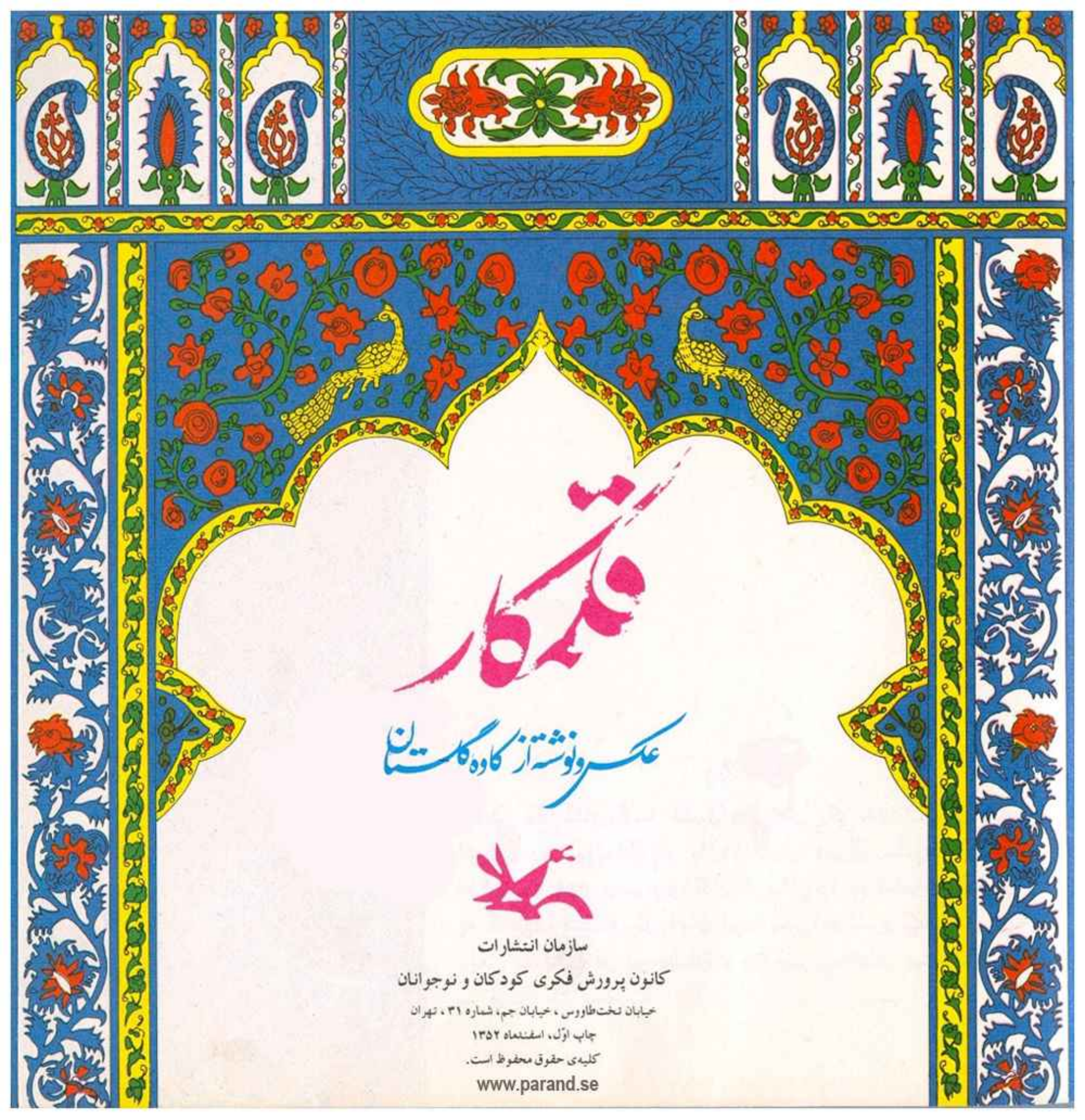






پنجره

عکس نوشته از کاوه گلستان



سازمان انتشارات

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

خیابان تخت طاووس، خیابان جم، شماره ۳۱، تهران

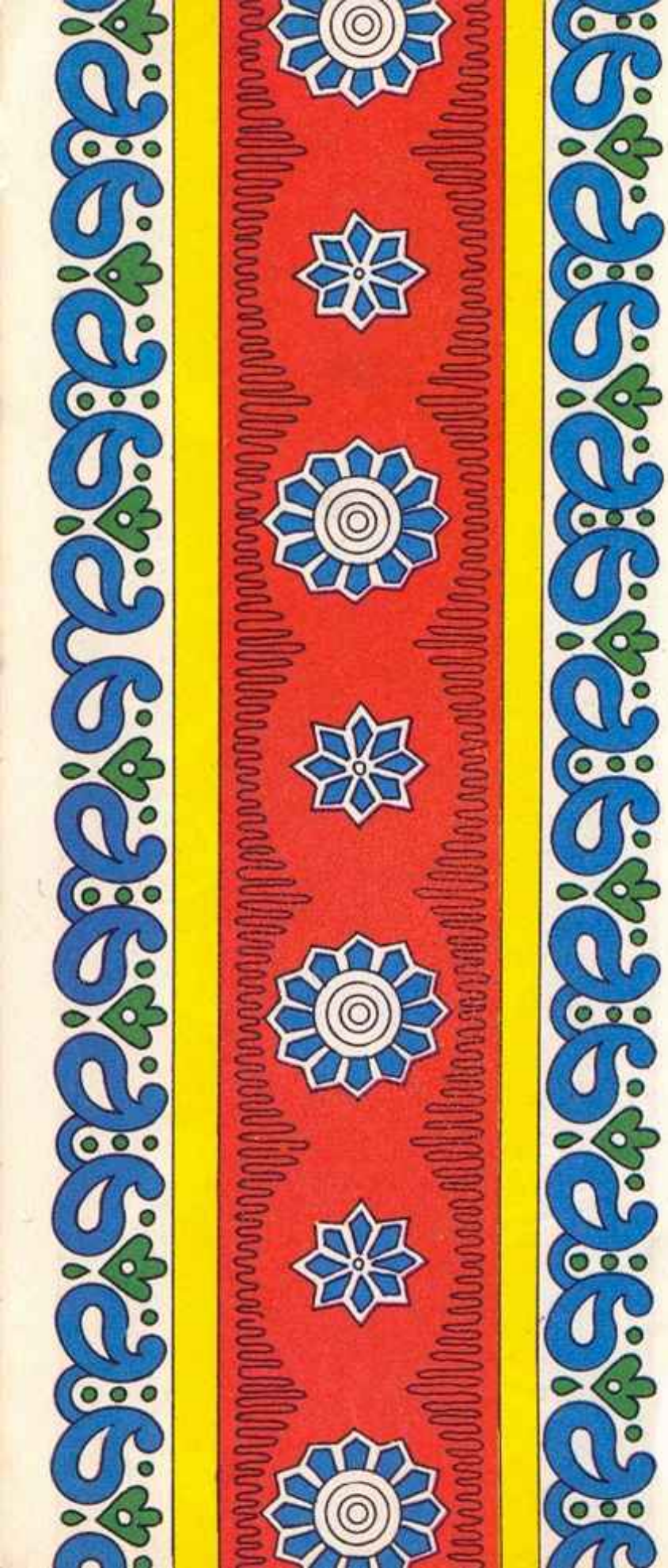
چاپ اول، اسفندماه ۱۳۵۲

کلیه حقوق محفوظ است.

www.parand.se



هنر «قلمکار» که هنوز هم در یکی دو شهر و شهرک ایران رواجی دارد، بازمانده‌ی هنری ست که در قرن دوازدهم هجری - روزگار فرمانروایی شاهان صفوی - به کمال رسید و تا پایان قرن سیزدهم - و یکی دو دهه‌ی دیگر - یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های هنر تزئینی سرزمین ما بود.



ساخت و پرداخت پارچه‌ی قلمکار، همواره، یکی از رشته‌های گوناگون هنر دستکار پارچه‌بافی بوده است و پارچه‌های قلمکار زیبایی که از قرن دوازده و سیزده هجری به یادگار مانده، از گنجینه‌های پرتنوع طرح‌ها و نقش‌های هنر اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. این هنر را برای این «قلمکار» می‌خوانند که در

گذشته‌ی دور با قلم بر روی پارچه نقاشی می‌شده است. یکی از اثرات فرهنگی رابطه‌ی بازرگانی و سیاسی آن زمان ایران با چین، آشنایی پارچه‌باف و نقاش ایرانی با روش‌های چینی چاپ نقش‌ها بر روی پارچه به وسیله‌ی قالب‌های حکاکی شده‌ی چوبی بوده است.

نقش‌زدن بر پارچه به وسیله‌ی قالب، که امروز هم رایج است از همان زمان آغاز شد با وجود این نقش زنی با قلم، به شیوه‌ی گذشته، ناگهان متروک نشد؛ اما چون کار با قلم بسیار وقت‌گیر و کم‌تولید است، این شیوه به تدریج از رواج افتاد و نقش‌زدن با قالب جای آن را گرفت؛ که هم تولید را سریع‌تر و بیشتر می‌کرد و هم نقش‌های یکدست‌تری پدید می‌آورد.

پارچه‌های قلمکار، در گذشته کاربردهای فراوانی داشت: شاهان صفوی و بیشتر بزرگان و توانگران جامه‌هایی زیبا و فاخر از پارچه‌های قلمکار می‌پوشیدند که گاهی طلا و نقره هم در بافت آن‌ها به کار می‌رفت. زین و یراق و آذین‌های اسب‌ها نیز از همان قلمکارهای شاهوار پرداخته می‌شد و اینگونه اسب‌های آراسته، از بخشش‌ها و هدایای عالی شاهانه شمرده می‌شد، همچنانکه «خلعت شاهانه»، بیشتر، جامه‌های فاخر قلمکار بود. شاه این جامه‌ها و اسب‌ها را به مناسبت‌هایی به بزرگان و سرداران خویش می‌بخشید و یا به میهمانان بلند مرتبه و سفیران کشورهای دیگر، هدیه می‌کرد و همچنین، به رسم دوستی و بزرگداشت، برای شاهان و امیران و بزرگان کشورهای دوست می‌فرستاد. خیمه و خرگاه‌ها را هم از پارچه‌های پرنقش و



و نگار می ساختند. حتی در جنگ هم که نشان دادن توانگری همان اندازه دشمن را هراسان می کرد که نشان دادن جنگ افزارها و زور بازوی انبوه جنگاوران - پرچم ها و درفش هایی بزرگ و بلند از پارچه هایی گرانبها و پرزرق و برق می ساختند. این نقش ها از زیباترین نمونه های هنر پارچه بافی در آن دوران است.

از پارچه های نقش دار و قلمکار استفاده های فراوان دیگری هم می شد: گاهی يك دیوار را سراسر از پارچه ی قلمکار می پوشاندند و یا از آن به عنوان پرده استفاده می کردند. در جشن ها و مراسم مذهبی با قلمکارهای پر نقش و نگار، طاق نصرت می ساختند و گاه گذرگاه ها را با پارچه های قلمکار می پوشاندند.

بر زیراندازهای قلمکار نماز می گذاشتند و جامه های نمازشان، از بافته های قلمکار بود. پرده ها، رومیزی ها و بقچه های نوعر و سان هم اغلب از پارچه های پر نقش و نگار قلمکار بود. که هنوز هم، کم و بیش، در بسیاری از خانه ها این بافته های زیبا یافت می شود.

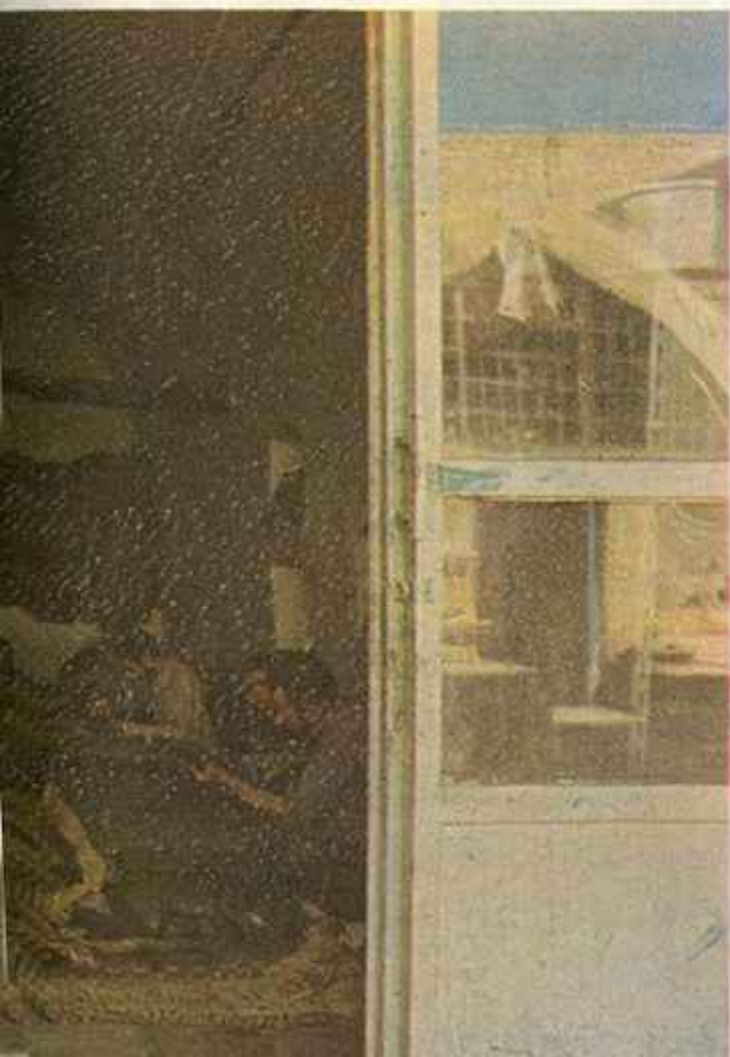
با اینکه نیاز مردم به اینگونه قلمکارها روزافزون بود و به ناگزیر، تولید پارچه ی قلمکار هم افزایش می یافت اما از ظرافت و زیبایی و استحکام قلمکارها نه تنها چیزی کم نمی شد، بلکه مهارت هنرمندان قلمکارپرداز بیشتر و بیشتر هم می شد.

در کتابخانه ی سلطنتی افغانستان کتابی هست که نمونه ییست از این مهارت هنری و فنی: نه تنها صفحات، که نوشته های این کتاب نیز با پارچه بافته شده است و این کتاب از لحاظ ساخت، پرکاری، دقت و مهارت اثری بی همتاست.

باگذشت زمان و نیاز فراوان به محصول بیشتر و ارزانتر، کار با قلم از رواج افتاد و روش استفاده از قالب‌های چوبی جای آن را گرفت. در نقش زنی با قلم، محدودیتی در استفاده از انواع رنگ و وجود نداشت، در صورتی که در نقش زنی با قالب، امکان استفاده از رنگ‌ها محدود بود، همچنین نقش‌های از پیش مشخص شده‌ی قالب‌ها، آزادی و تنوع طرح‌هایی را که با قلم پدید می‌آمد، از بین برد و به این ترتیب ارزش هنری پارچه‌های قلمکار پایین آمد.

این راست است که تدریجا هنر قلمکار از میان رفت و صنعت ساده‌ی قلمکارسازی جانشین آن شد، اما نقش‌های

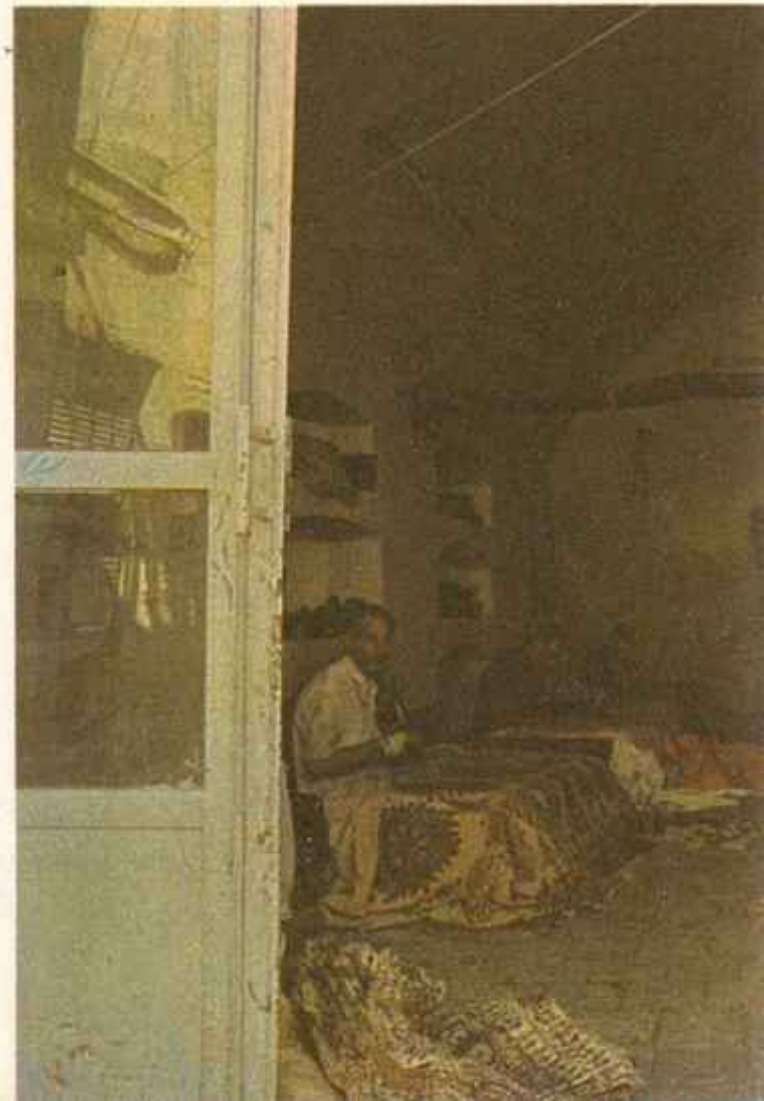
ساده‌ی این بافته‌ها هنوز هم زیبایی خاص و احترام‌انگیز خود را حفظ کرده‌اند. در گذشته مراکز اصلی ساخت و پرداخت قلمکار رشت و کاشان و اصفهان بود و در نخجوان و یزد و بروجرد هم پارچه‌های قلمکار تهیه می‌شد.



امروزه مرکز اصلی تهیه‌ی پارچه‌های قلمکار شهر اصفهان است که در آن سیزده کارگاه قلمکار سازی دائر است. ابزار کار در هر کارگاه تعدادی قالب چوبی حکاکی شده است و میز کوتاه مخصوص نقش زنی روی پارچه. سازندگان قالب قلمکار تعدادشان کم است و استادان این هنر یا از بین رفته‌اند و یا دیگر قادر به کار کردن نیستند. قالب سازان حاضر به خوبی و با مهارت تمام کار می‌کنند ولی طرح‌هایی را که حکاکی می‌کنند، در واقع تقلیدیست از نقش‌های قدیمی - خودشان کمتر نقش جدیدی می‌آفرینند.

مواد اولیه‌ی گوناگون برای تهیه فرآورده‌های قلمکار اینهاست: پارچه‌ی متقال، دستباف، پارچه‌ی کودری،

پارچه‌ی چلووار،
کتیرا، زنگ آهن،
رنگ گیاهی، زاج
سفید، پوست انار،
روغن گل‌سیرین،
نیل، الیزارین،
هلیله، زاج سیاه،
روغن کرچک، گل-
سرخ، روغن کنجد،
نیل نخودی، شیرهی
انگور، تورنکار،
نیل پرطاووسی و
جوهر گوگرد.



پارچه‌ی قلمکار، زیباست و خیال انگیز، و با همه‌ی
سادگی، نشانه‌یی است از پایداری یک سنت و یادگاری است
از پیشینیان ما که هنر، فروتنی و پشتکارشان، ستایش -
انگیز بود.

در این مجموعه به وسیله‌ی عکس، که ثبت کننده‌ی دقیق -
تری است، کوشیده‌ایم مراحل گوناگون کار قلمکارسازی
را نشان دهیم. با کمک دست‌ها و چشم‌هایی که زنده
نگهدارنده‌ی این هنر تا زمان ما بوده‌اند، و بی شک این
هنر را به فرزندان و شاگردان خود نیز خواهند
آموخت *

* عکس‌های این کتاب در کارگاه‌های قلمکار اخوان چیت‌ساز در اصفهان
گرفته شده است. صفحه‌ی عنوان و دو حاشیه‌ی این صفحات توسط
محمدرضا عدنانی از روی کتاب «مجموعه‌ی قلمکار ایران»، گردآورده‌ی
عبدالحسین احسانی، برگردانده شده است.



قالب سازی، حساس ترین و ظریف ترین مرحله ی قلمکار-
سازی ست. حتی می توان گفت تنها هنر قلمکار سازی
در قالب سازی آن است. قالب های قلمکار را از چوب
گلایی می سازند، چون چوب گلایی نرم است و به آسانی
می توان روی آن حکاکی کرد.

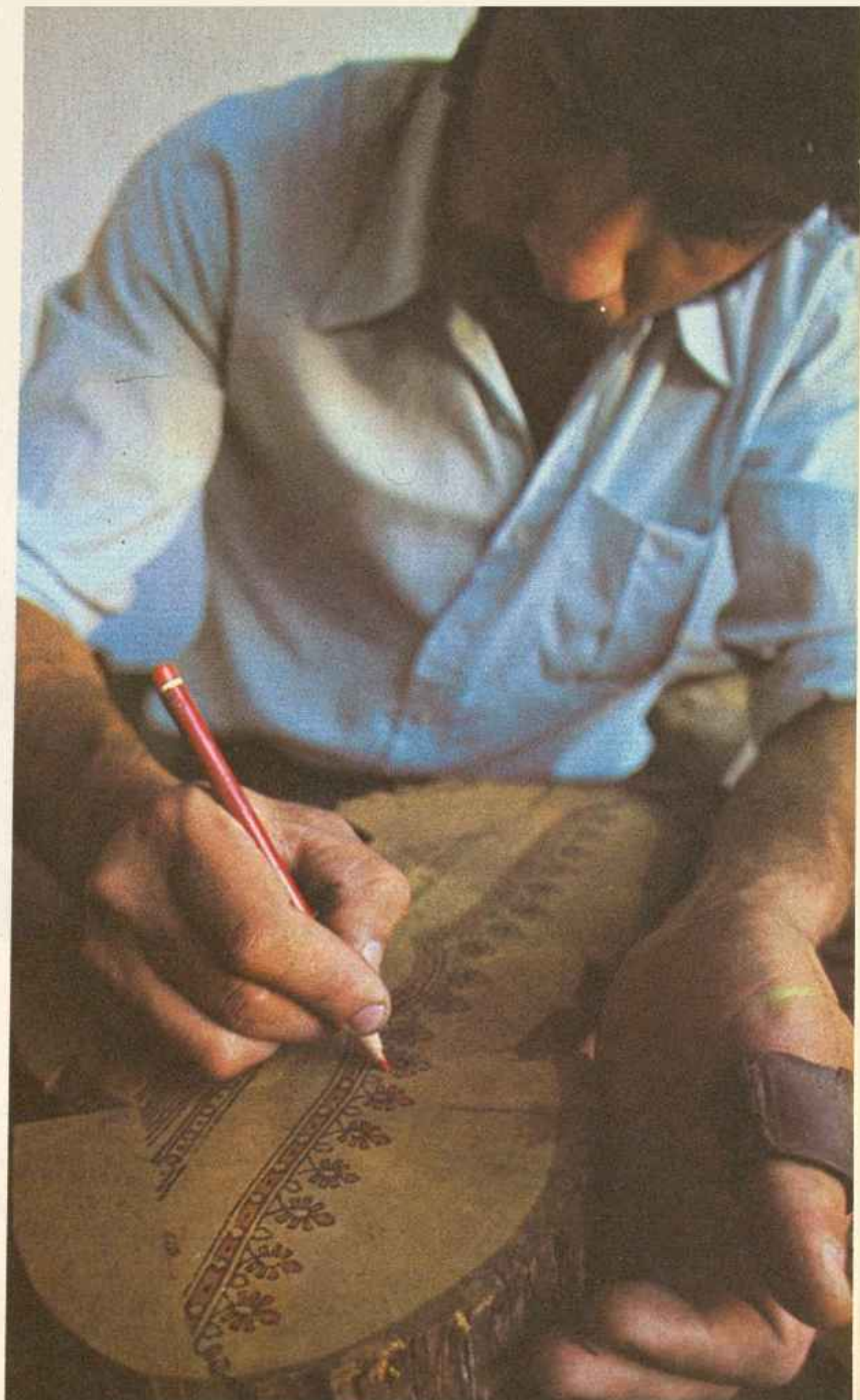
قالب ساز، برای درست کردن قالب، نقش دلخواهش را
روی چوب بر می گرداند و بعد به حکاکی آن نقش می-
پردازد. برای قالب های بزرگتر، چند چوب را با فشار
کنار هم می چسبانند و بعد آن را حکاکی می کنند. از هر
طرح، دو تا چهار قالب با برجستگی های متفاوت، هر
کدام برای يك رنگ، ساخته می شود. زمانی که این
چند قالب را روی هم در يك جای پارچه چاپ کنند،
خطوط چاپ شده ی هر کدام از قالب ها قسمتی از تمام
طرح مورد نظر را شکل می دهد.

به هر مجموعه ی قالب يك «زنجیر» می گویند.
بعد از ساختن قالب ها، نوبت به رنگ سازی و آماده و
چاپ کردن پارچه ها می رسد.

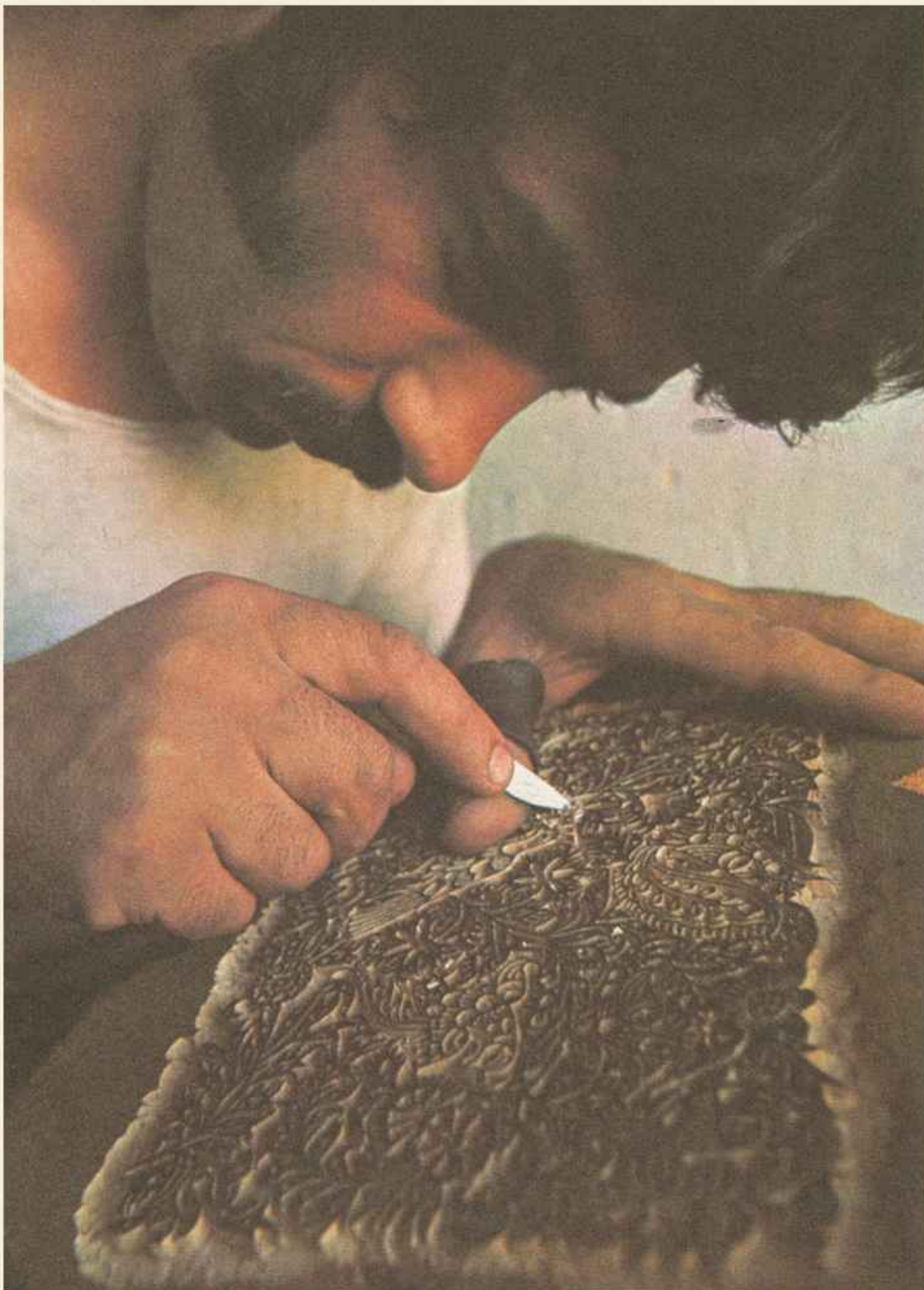


قالب سازی اولین و مهمترین مرحله‌ی قلمکار سازی ست و قالب سازان،
به خاطر اهمیت کارشان، مورد احترام همه هستند.
برای ساختن قالب، اول نقش دلخواه را روی چوب بر می گردانند.

بعد، بامداد خطوطی را که باید کنده
شوند مشخص می کنند.
و بامته، سوراخهایی ایجاد می کنند
که راه را برای کندن و تراشیدن چوب
باز می کند.



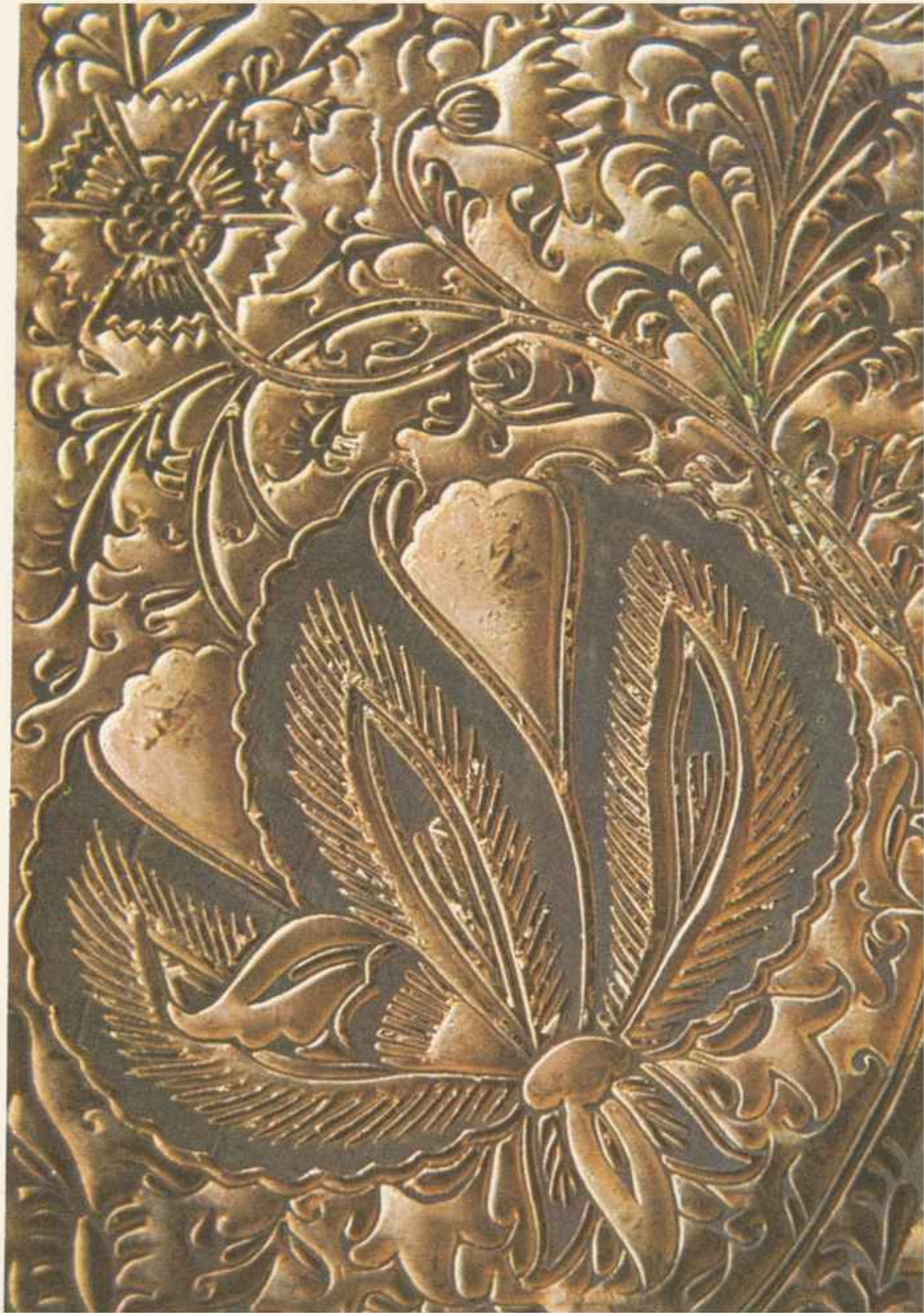
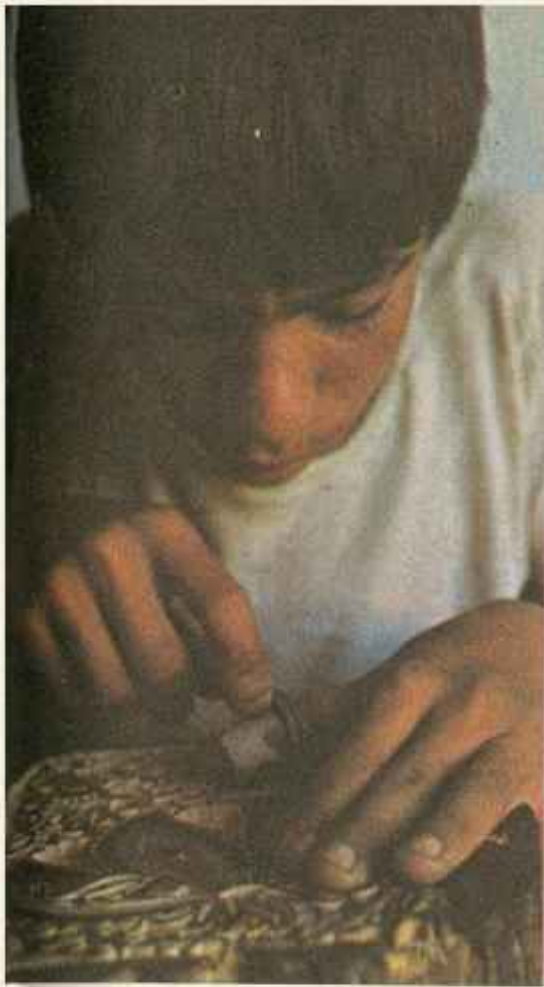
و باتیغ مخصوص، حکاکی
را شروع می کنند.





قالب سازها با مهارت و شکیبایی، نقشه‌هایی را که می-
خواهند روی پارچه‌ها منتقل کنند، روی چوب حکاکی می-
کنند.
یعنی خط‌های مشخص شده را، با برجستگی‌های گوناگون
از چوب می‌تراشند.

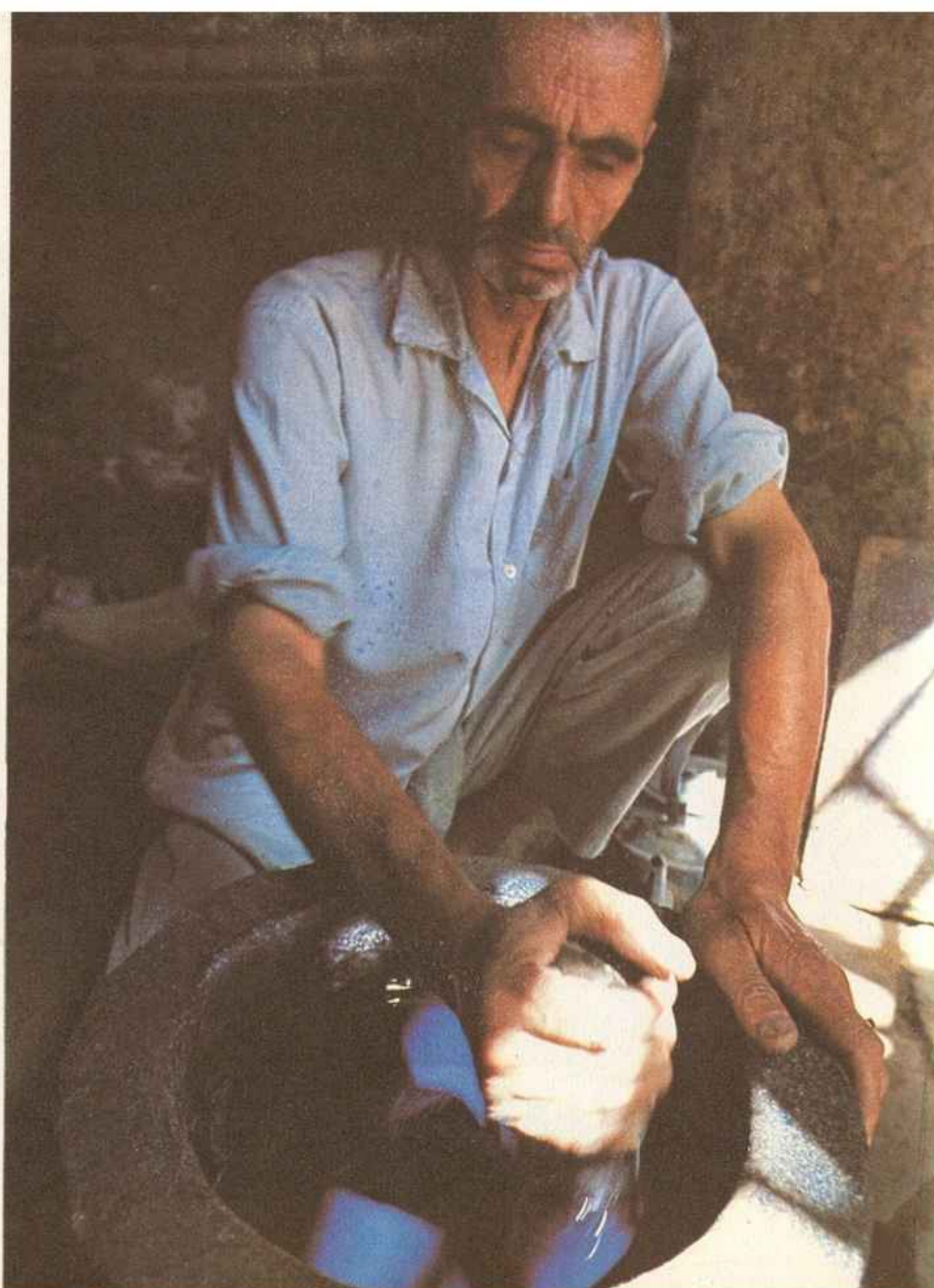


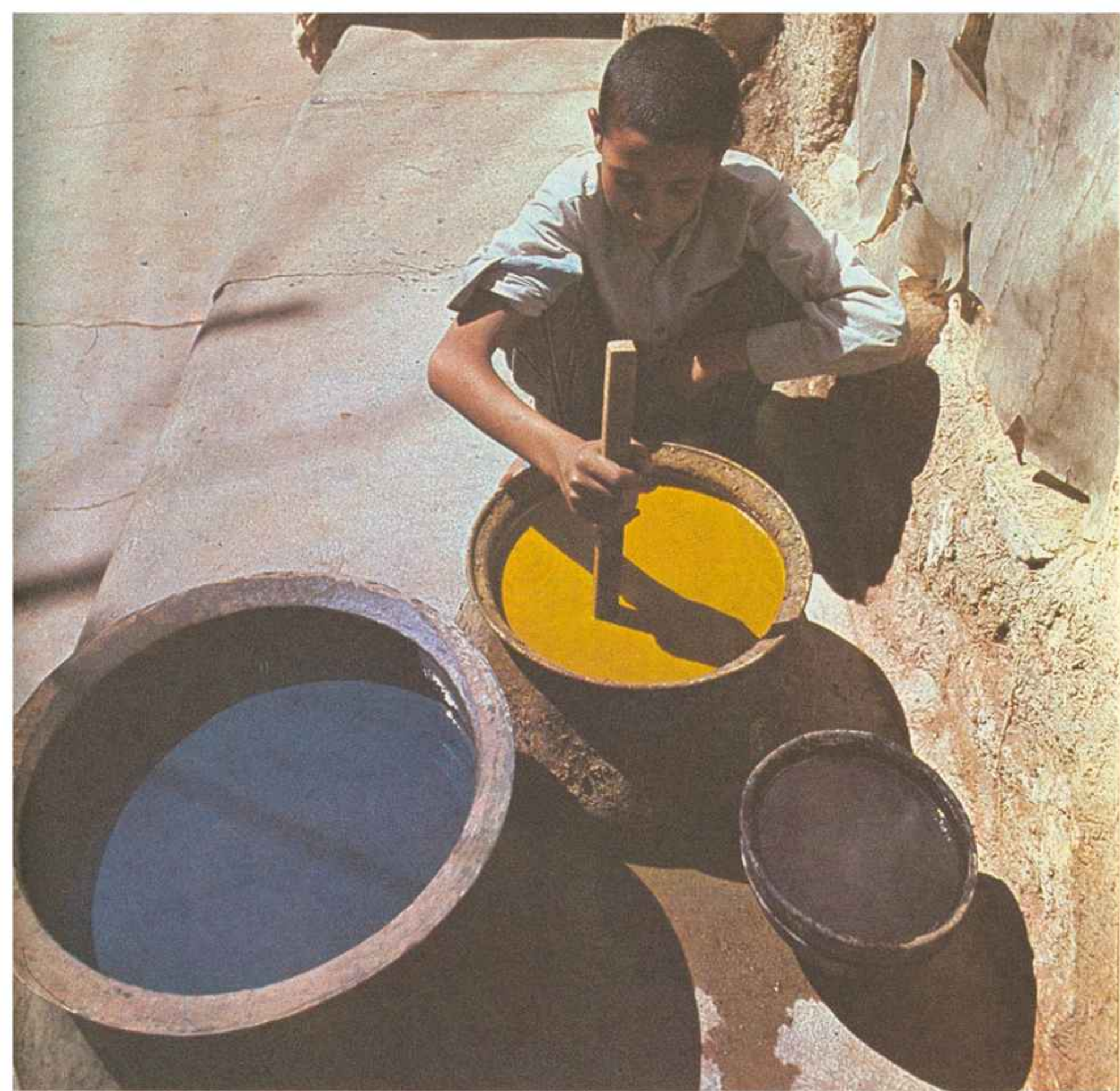


بعد چوب‌های اضافی دور و
بر طرح‌ها را می‌برند و در
پشت چوب، دسته‌یی برای قالب
درست می‌کنند و قالب‌ها را
روغن می‌زنند تا بر دوام آن
افزوده شود.

تمام رنگ‌هایی که در ساختن پارچه‌های قلمکار به کار
برده می‌شود رنگ‌های گیاهی‌ست که در خود کارگاه‌ها
توسط استادان با تجربه‌یی که خاصیت گیاه‌ها و املاح
معدنی را خوب می‌شناسند، ساخته می‌شود.
برای ساختن رنگ مشکی، موادی مانند زاج سیاه و
زنگ آهن به کار می‌برند. و به آن‌ها کتیرا و روغن
کرچک نیز می‌افزایند. زاج سیاه ماده‌ی اصلی ایجاد
رنگ مشکی است و با زیاد کردن آن، رنگ به دست
آمده سیرتر می‌شود. روغن کرچک، هم مانع خشک
شدن و چسبیدن رنگ به داخل شیارهای قالب می‌شود
و هم دوام قالب را زیادتر می‌کند.
رنگ قرمز را از گل سرخ، روغن کنجد، زاج سفید و
کتیرا درست می‌کنند.
برای ساختن رنگ آبی یا نیل پر طاووسی، نیل را با
آب مخلوط می‌کنند و پس از گذشتن دوسه روز، این
مایع را درون هاوونی سنگی می‌ریزند و با اضافه کردن
جوهر گوگرد و روغن گلیسیرین، آن را به مدت يك تا
دو روز می‌سایند.

در هر کارگاه قلمکار -
 سازی استاد دیگری هم
 وجود دارد که کارش بسیار
 مهم و حساس است. او
 رنگساز کارگاه است که
 با اطلاعات وسیعی که
 درباره گیاه ها و املاح
 معدنی دارد، رنگ هایی
 را که در نقش زدن از
 آن ها استفاده می شود،
 می سازد.
 ساختن بیشتر رنگ ها،
 حوصله ی عجیبی می -
 خواهد، مثلاً برای ساختن
 رنگ نیلی، استاد رنگساز
 مواد اولیه را بیست و -
 چهار ساعت در یک هاون
 سنگی می ساید.





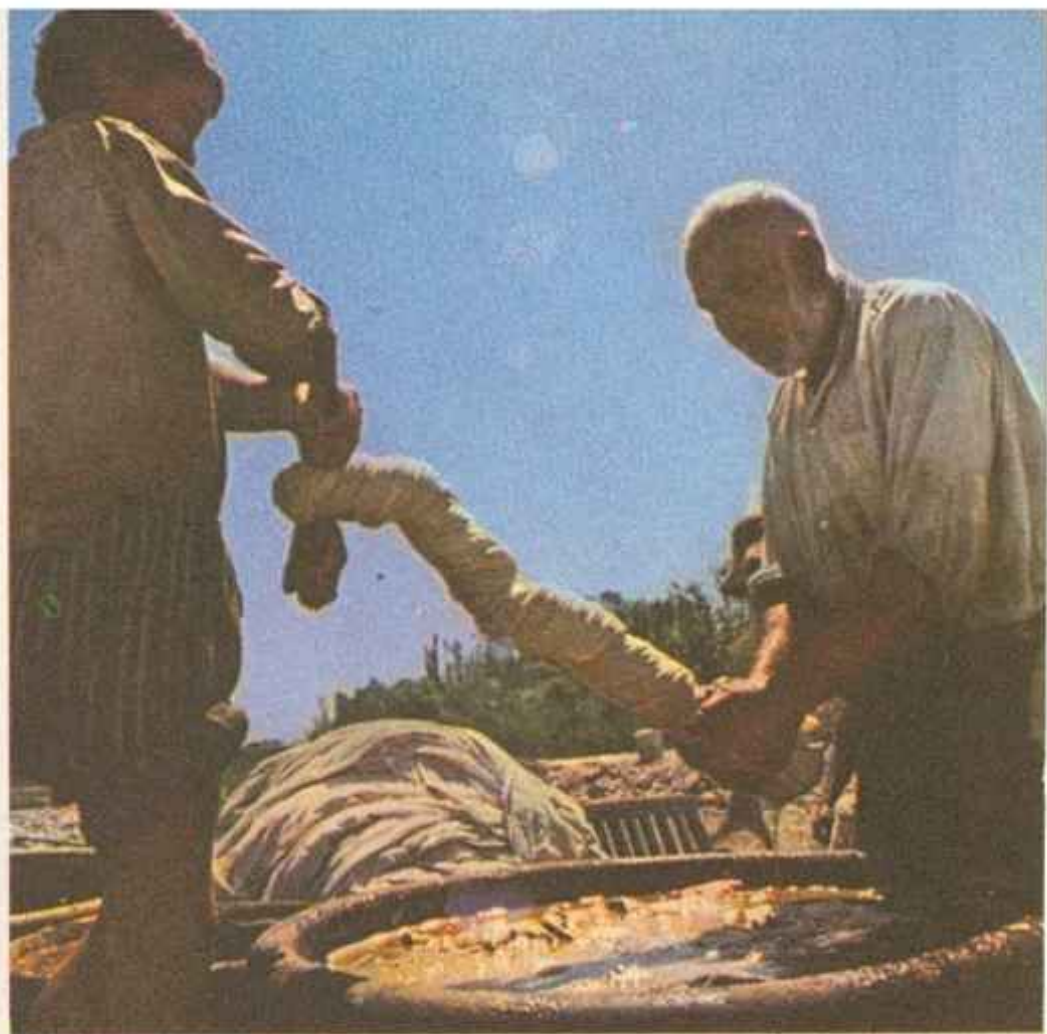
البته در چنین مواردی شاگرد هم به کمک استاد می آید.

آماده کردن پارچه

پارچه‌های سفید را پنج روز، طوری که تکان نخورد، در آب رودخانه می‌گذارند بعد يك سر پارچه را می‌گیرند و سر آزادش را محکم، به سنگ می‌زنند. این کار را برای این می‌کنند که مواد زائد از پارچه بیرون رود و به اصطلاح آبخور شود. بعد که پارچه‌ها در زیر آفتاب خشک شد، پارچه‌ها را دندان‌ها می‌کنند - یعنی گرد پوست انار را با هلیله مخلوط و در آب حل می‌کنند و پارچه‌ها را در این محلول فرو می‌برند - با این کار پارچه به رنگ زرد مایل به کرم در می‌آید. پس از خشک شدن رنگ، پارچه‌های بلند را بنا به مصرف‌شان به اندازه‌های مختلف می‌برند تا از آنها انواع قلمکار، مانند پرده و رومیزی تهیه کنند. در اطراف بعضی از انواع قلمکار، مثلاً رومیزی، ریشه‌هایی ایجاد می‌کنند که «منگوله» نامیده می‌شود.



کار آماده ساختن پارچه ها ، با شاگردهای کارگاه قلمکار سازی ست . بعضی از قلمکار سازهای اصفهان عقیده دارند که آب رودخانه‌ی زاینده رود دارای املاح مخصوصی ست که مرغوبیت پارچه را بالا می برد . این حرف ، اگر درست هم نباشد ، احساس غرور قلمکار سازهای اصفهان را به شغل خود نشان می دهد .



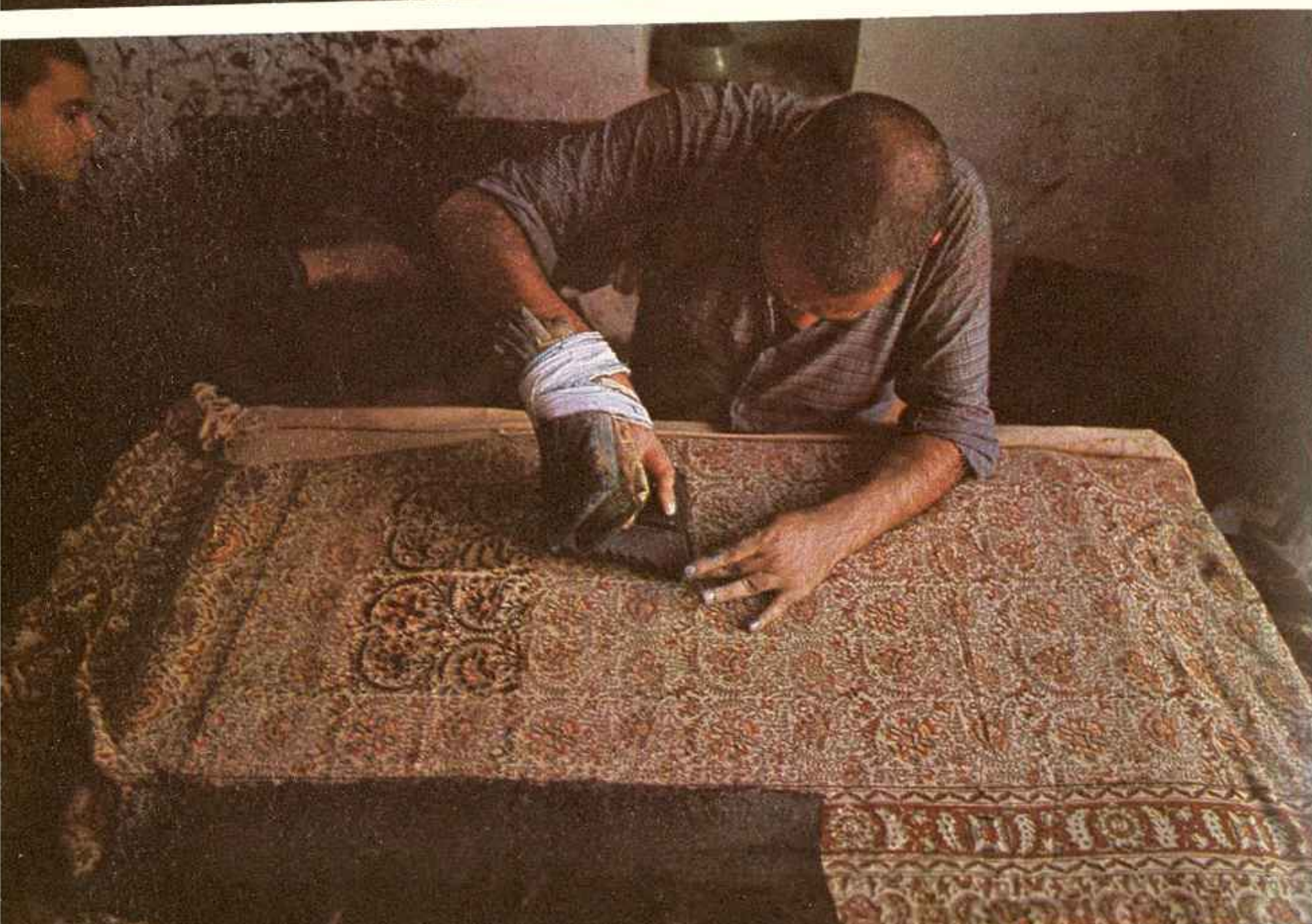
بعد از آبخور کردن پارچه، آن‌ها را در محلولی
از گردپوست انار فرو می‌برند تا زمینه‌ی
پارچه‌ها به رنگ قهوه‌یی در آید.
سپس پارچه‌ها را خشک می‌کنند و به کارگاه‌های
نقش‌زنی - می‌فرستند.

نقش زدن، همان چاپ پارچه است، یعنی برگرداندن نقش قالب‌ها، به رنگ‌های مختلف، روی پارچه‌ی آماده شده. نقش-زن، اول سطح قالب را با رنگ می‌پوشاند و بعد آن را روی پارچه قرار می‌دهد و با دست ضربه‌ی محکمی به روی قالب می‌زند. قالب-زن‌ها پارچه‌یی را به دور میچ خود می‌بندند تا در اثر تکرار ضربه‌ها، دستشان درد نگیرد.

در هر کارگاه، هر قالب-زن یک رنگ را نقش می‌زند و برای رنگ بعدی پارچه را به نفر کنار خود رد می‌کند. این کار آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا رنگ‌ها تکمیل شوند. یعنی هر قسمت از نقش قالب، به رنگ دلخواه در آید.

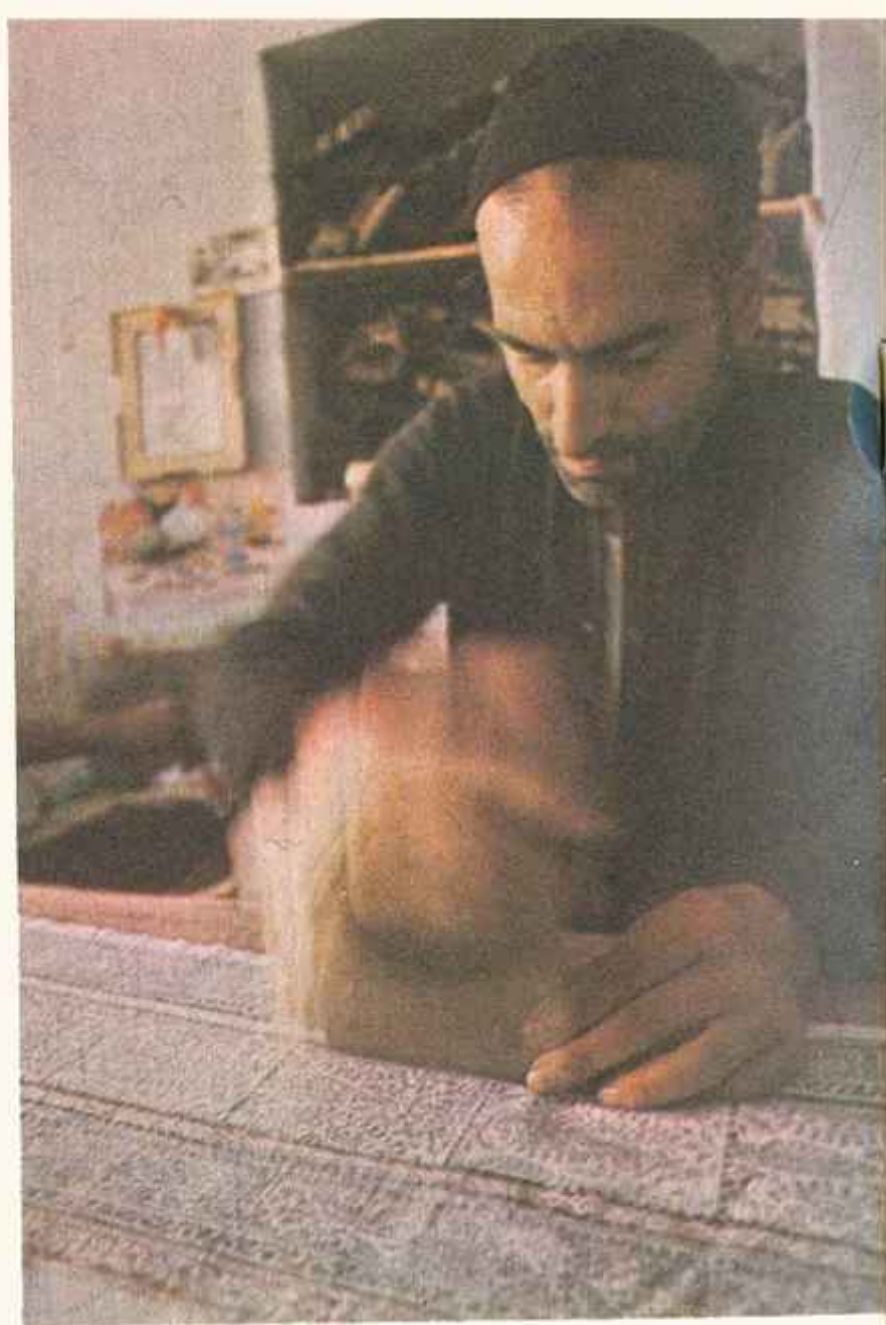
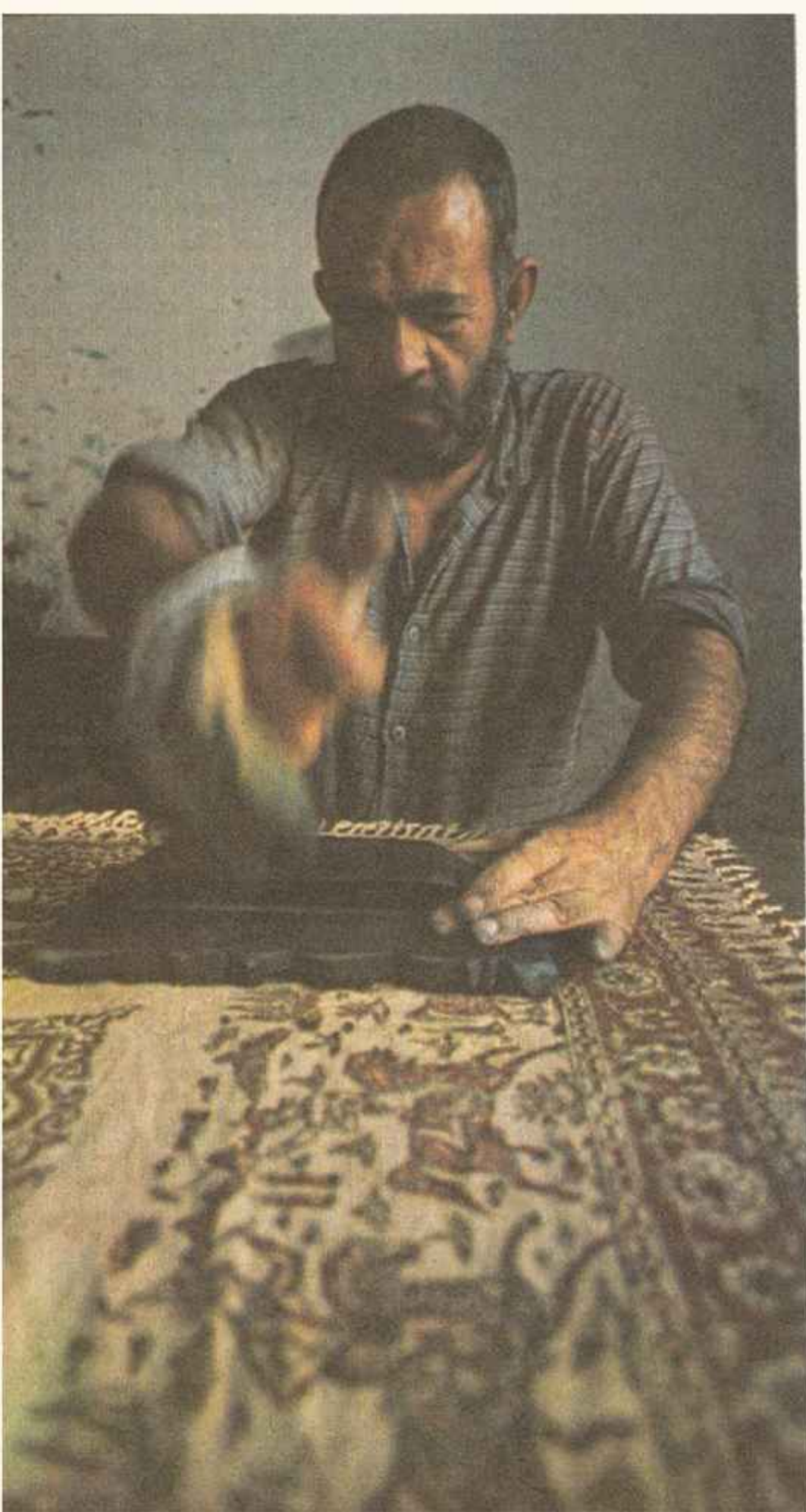
نخست رنگ مشکی و سپس قرمز را به روی پارچه منتقل می‌کنند و برای رنگ‌های دیگر باید مراحل دیگری پیموده شود.

رنگ‌ها را در ظرفی می‌ریزند و روی آن را
با پارچه‌یی می‌پوشانند به طوریکه فقط مقدار
کمی از رنگ، روی پارچه را بپوشاند. سپس
قالب را روی این پارچه می‌گذارند تا رنگ
را به خود بگیرد. به این ترتیب، همیشه رنگ
بطور یکنواخت روی قالب را می‌پوشاند.



قالب زدن احتیاج به دقت زیادی دارد.

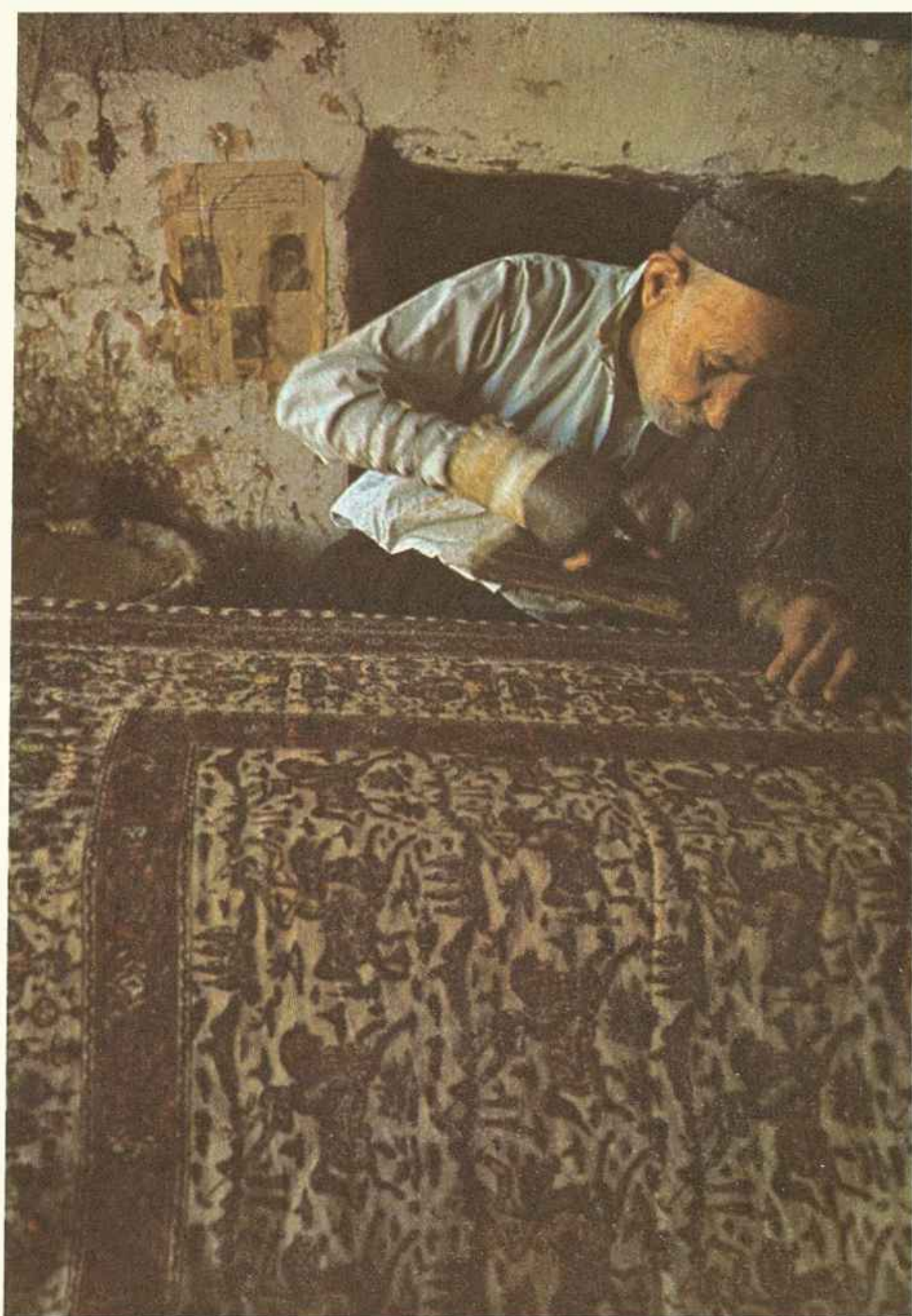




در کارگاه‌های قلمکارسازی اصفهان
استادان باتجربه‌یی هستند که کارشان
نقش‌زدن بر پارچه‌هاست.

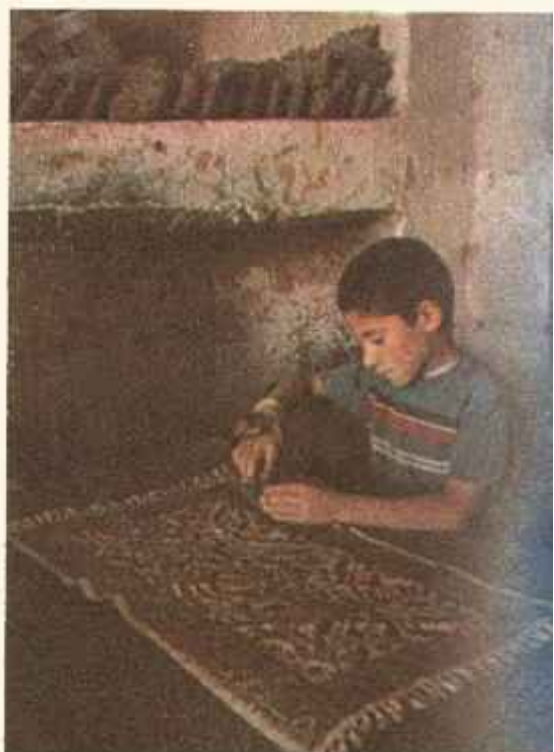


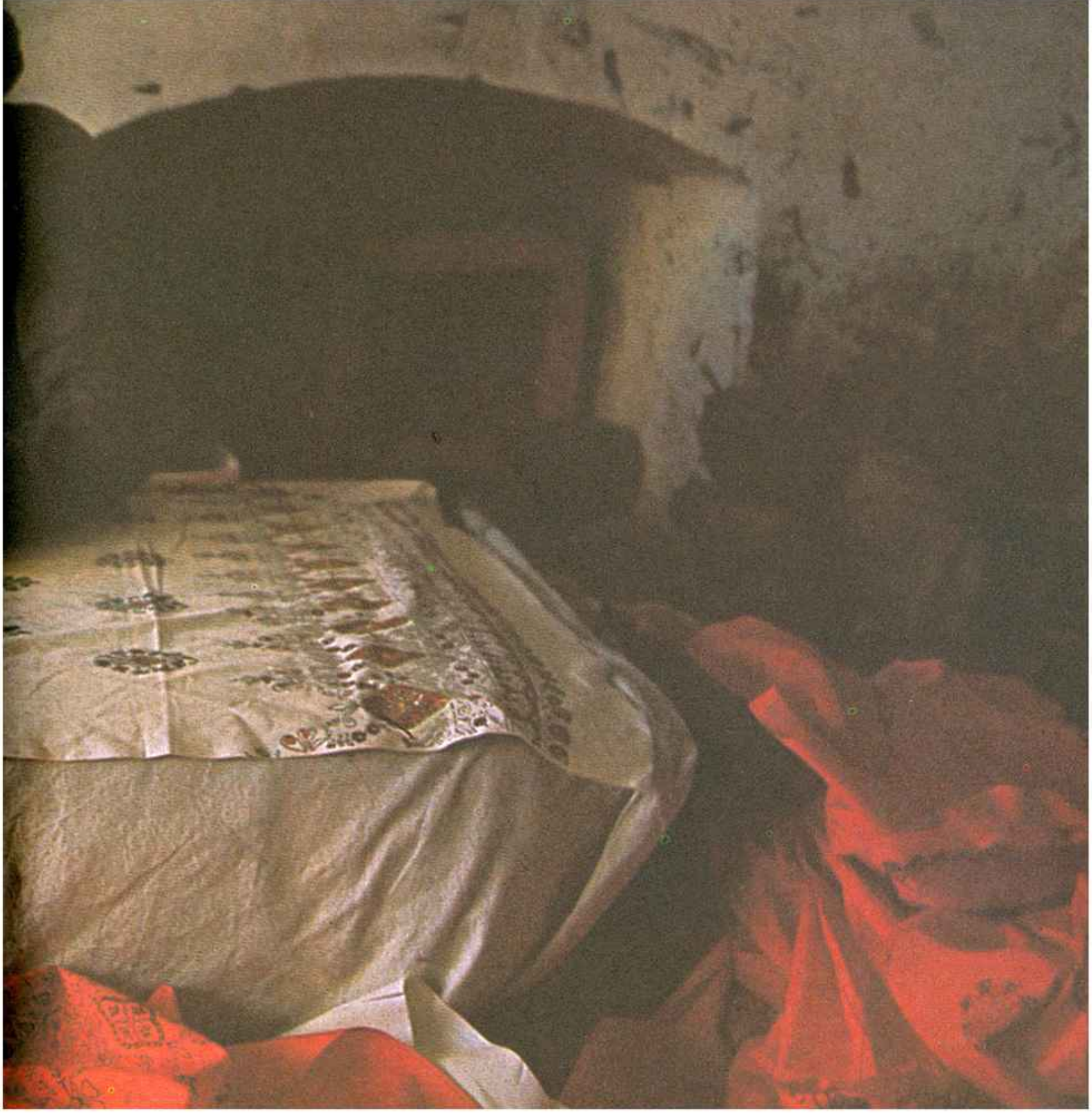
اما همپای استادان کم‌هنگام
جوان‌ها هم هنر قالب‌زنی

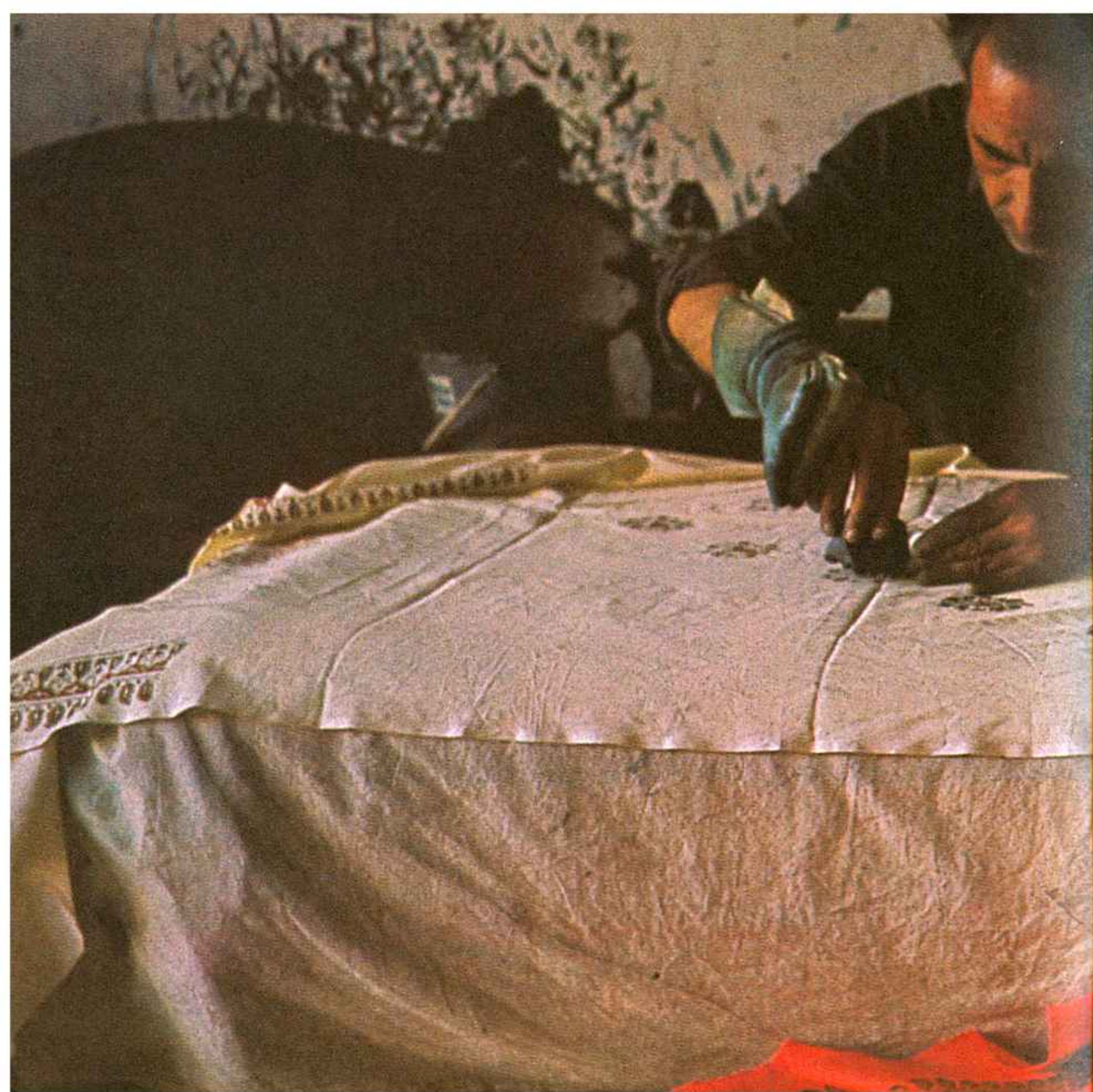


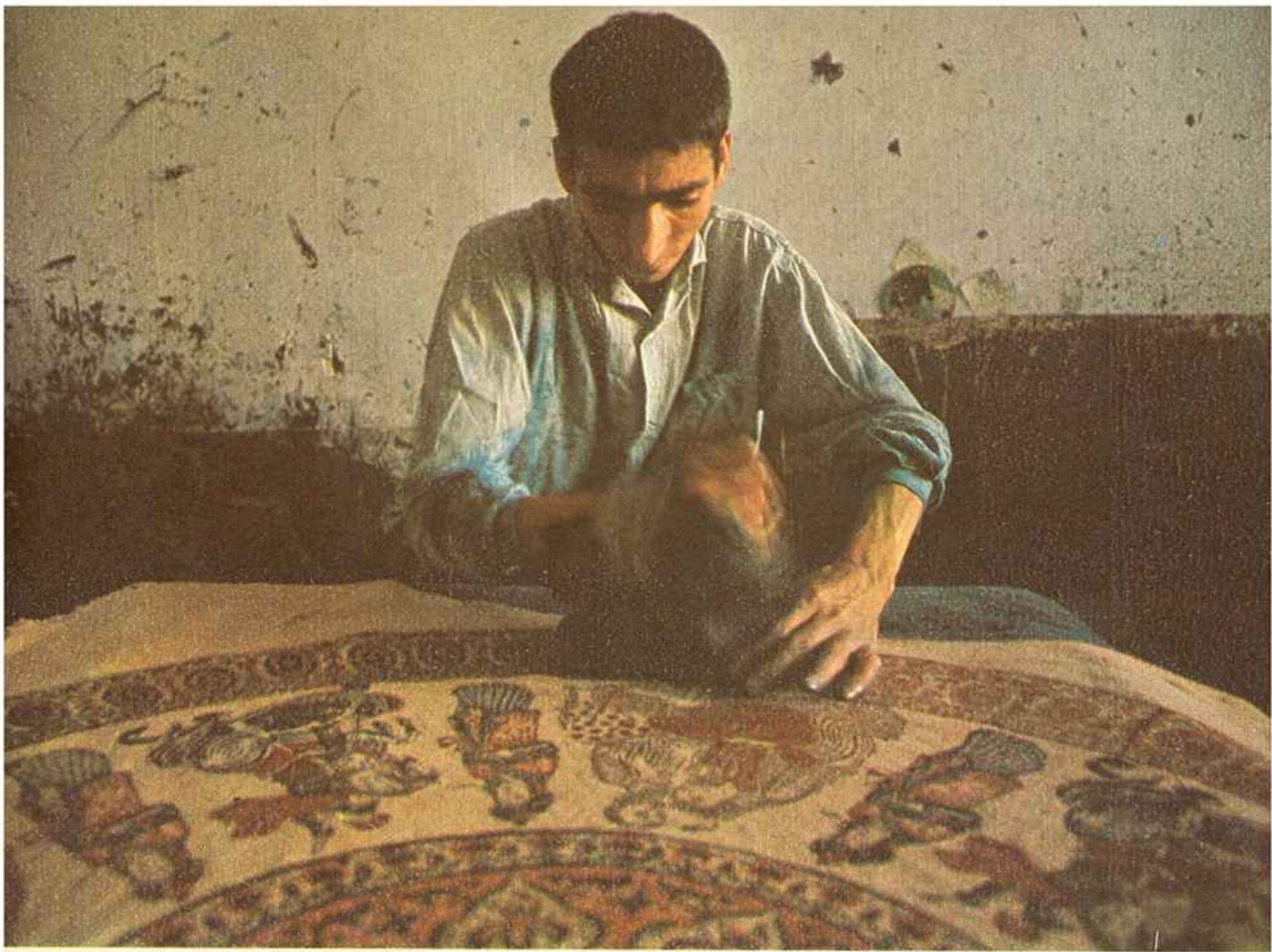


آموخته اند.





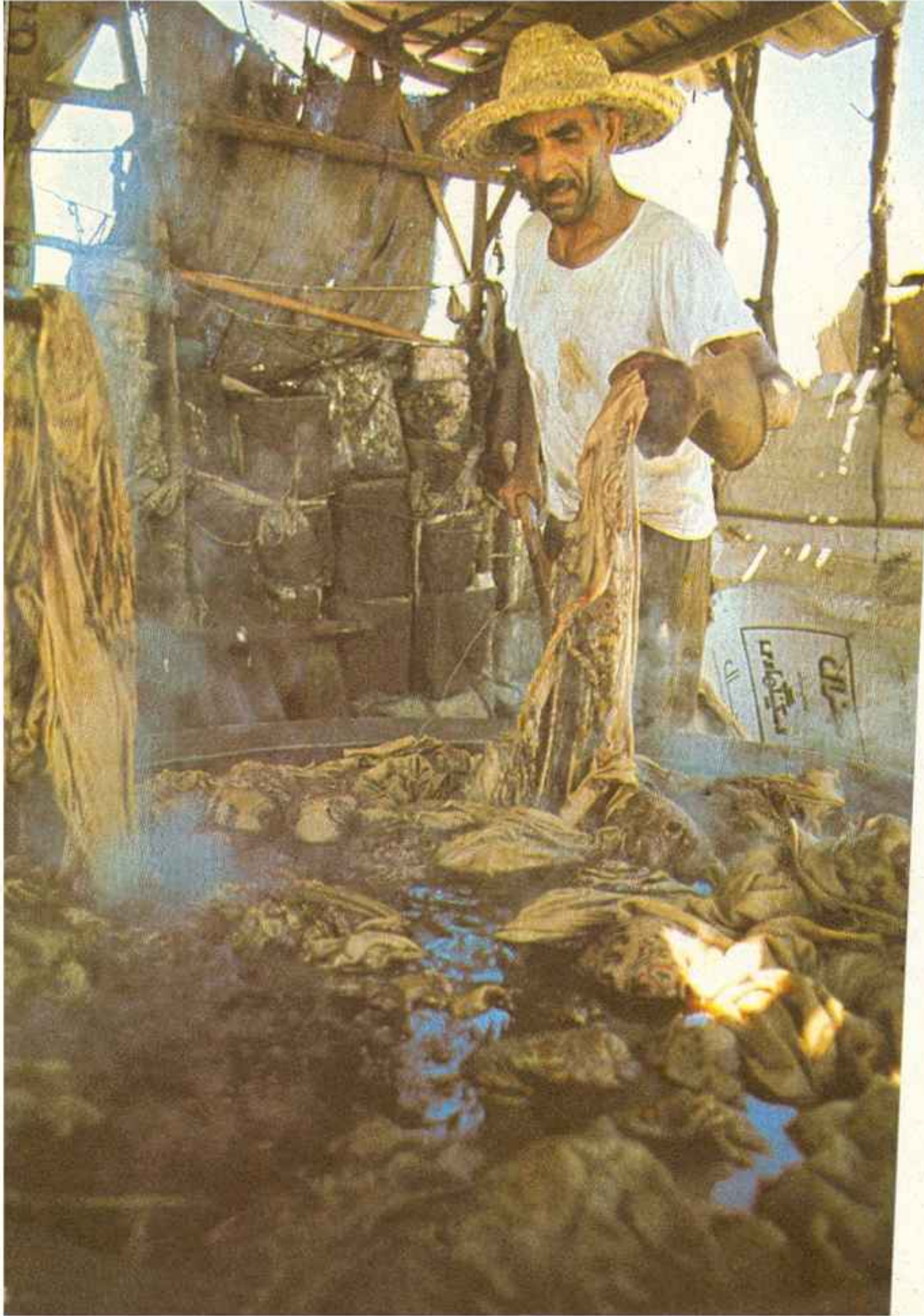




همین که تمام نقش‌ها و رنگ‌های دلخواه به این ترتیب روی پارچه‌ی سفید منتقل شد، کار نقش‌زنی به پایان می‌رسد و پارچه‌های نقش‌دار را برای ثابت کردن رنگ‌هاشان به رودخانه می‌برند.

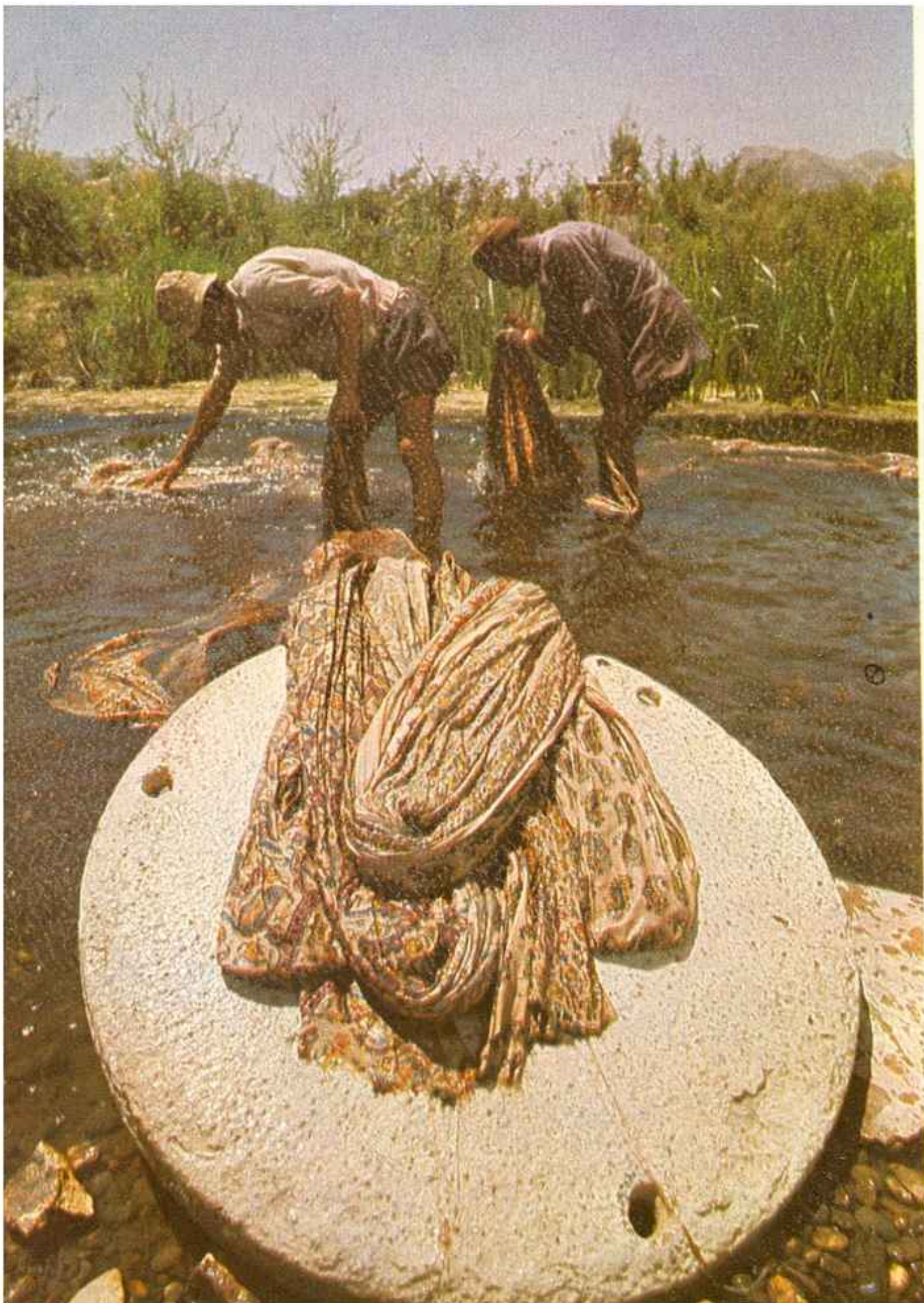
ثابت کردن رنگها

پارچه‌های نقش سیاه و قرمز گرفته را پس از شستن و خشك کردن در پاتیلی فرو می‌برند که محتوی آب جوش، گرد پوست انار و الیزارین است. قبل از تماس با الیزارین، رنگ قرمز نقش‌ها حالت اصلی خود را ندارد و به رنگ زرد چرك است. الیزارین باعث می‌شود که رنگ‌ها به حالت اصلی خود ظاهر شوند. الیزارین همچنین به ثابت شدن رنگ‌ها كمك می‌کند. بعد از این که پارچه را از پاتیل الیزارین بیرون آوردند آن را باز هم در آب رودخانه می‌شویند و سپس آن را محکم به سنگ می‌کوبند تا آب و الیزارین آن گرفته شود. پس از خشك کردن، پارچه‌ها را دو قسمت می‌کنند: يك قسمت را که می‌خواهند با همان زمینه‌ی کرم باقی‌بماند، برای مرحله‌ی بعدی چاپ، یعنی گرفتن رنگ‌های دیگر، بار دیگر به کارگاه نقش زنی می‌فرستند. قسمت دیگر پارچه‌ی است که می‌خواهند رنگ زمینه‌اش سفید شود و باید مرحله‌ی «سفیدگری» را بگذرانند.



پارچه‌های نقش‌دار را در پاتیل
بزرگی از الیزارین می‌ریزند
و زیر آن را آتش می‌کنند
تا چند ساعت جوش بخورد.
سپس پارچه‌ها را به سنگ
می‌کوبند.

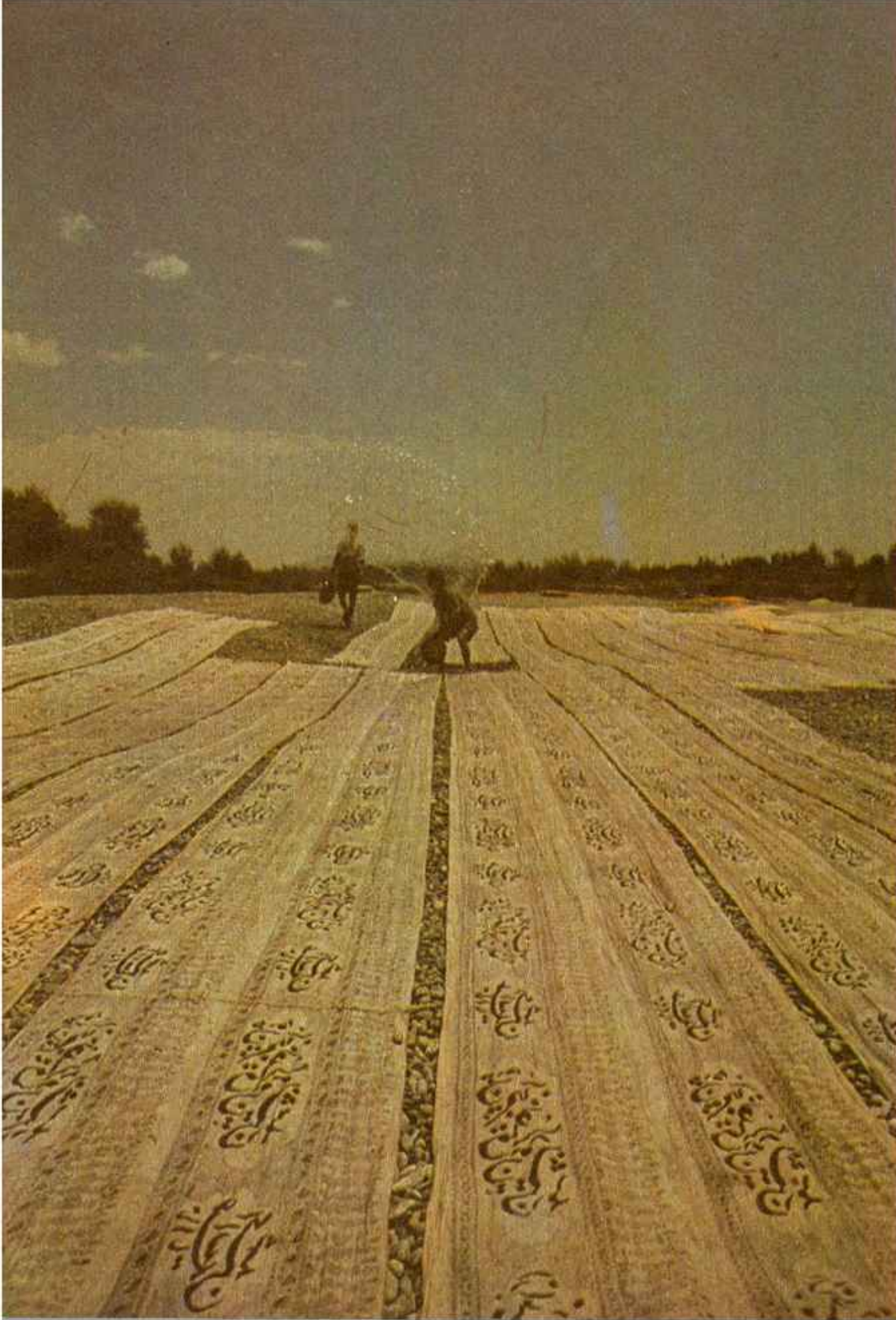




پارچه های خیس را محکم
و با هر دو دست به شدت
روی تخته سنگی می-
کوبند. این کار چند بار
تکرار می شود تا الیزارین
و آب به خوبی از پارچه
خارج شود.



سپس پارچه هارا در آفتاب خشك مي كنند تا نوبت مرحله ي بعدي فرارسد.



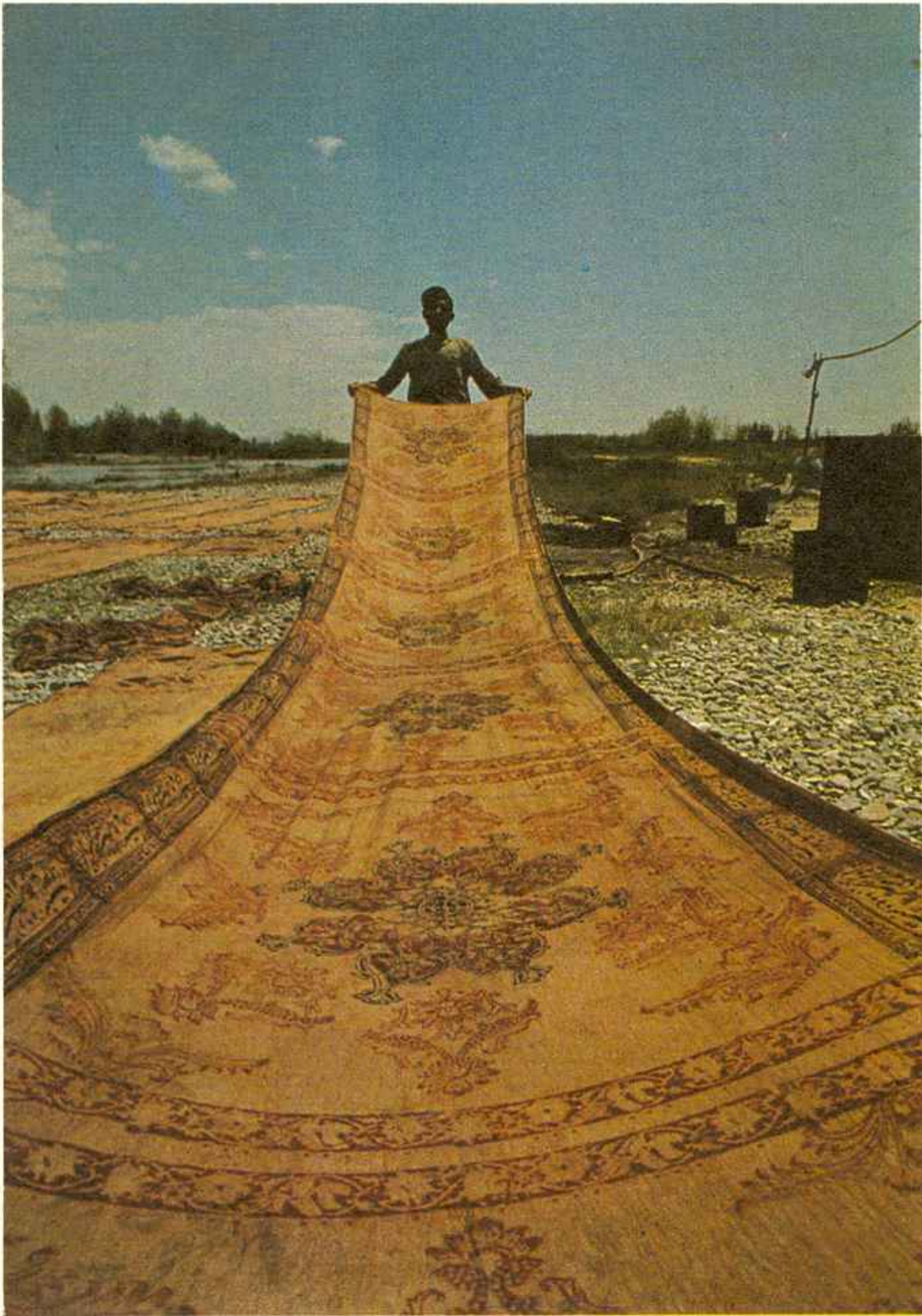
سفیدگری پارچه‌های قلمکار
در تابستان ۵ روز و در زمستان
حتی تا یک ماه طول می کشد.

پارچه‌هایی را که لازم است رنگ زمینه‌شان سفید باشد با محلولی که از گاو فراهم می‌شود، خیس می‌کنند و پارچه را طوری روی زمین پهن می‌کنند که نقش‌هایش رو به زمین و پشت به آفتاب باشد. سپس فاصله به فاصله پی در پی بر پارچه آب می‌پاشند تا نمدار بماند و خشك نشود.

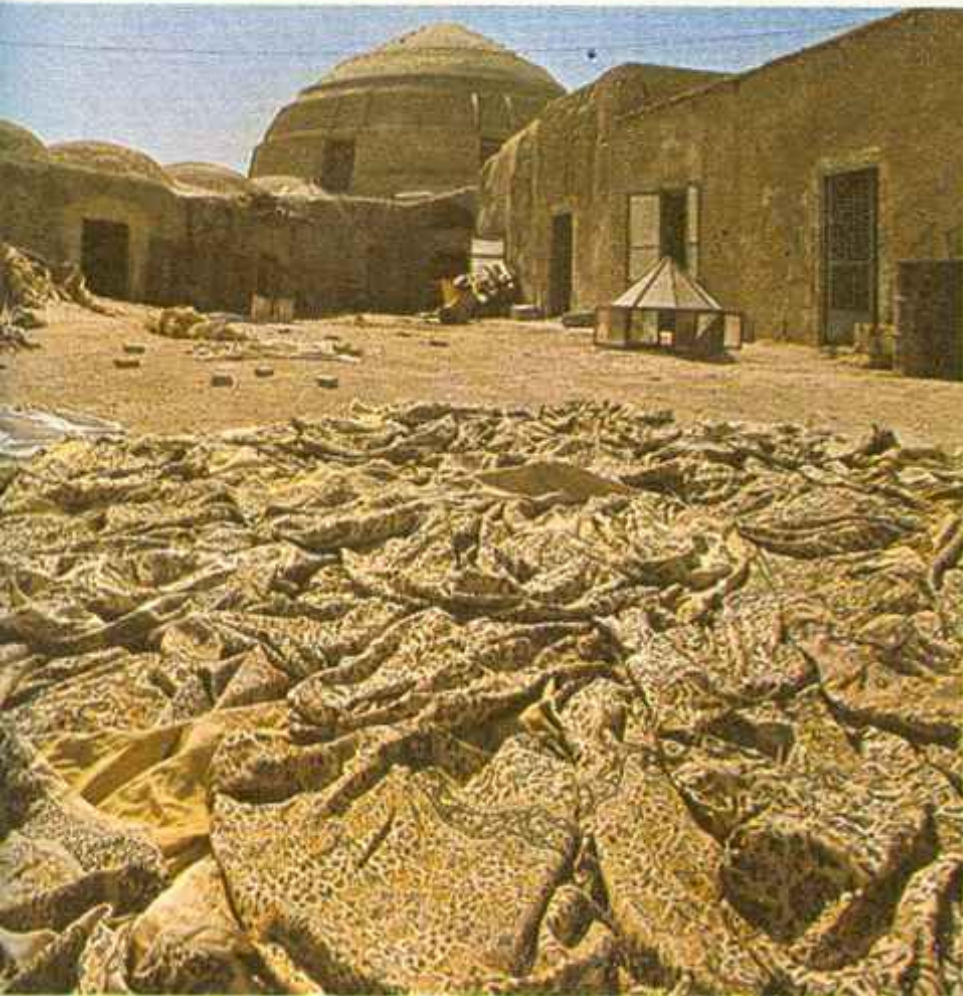
کار سفیدگری پارچه در تابستان ۵ روز و در زمستان حتی تا يك ماه طول می‌کشد، و این بستگی دارد به درجه‌ی حرارت و مدت زمان تابش مستقیم خورشید. پس از تمام شدن کار سفیدگری، کار چاپ رنگ‌های آبی، زرد و سبز روی پارچه شروع می‌شود. و به این ترتیب پس از يك شستشوی دیگر پارچه، کار تقریباً به پایان می‌رسد.

پایان کار

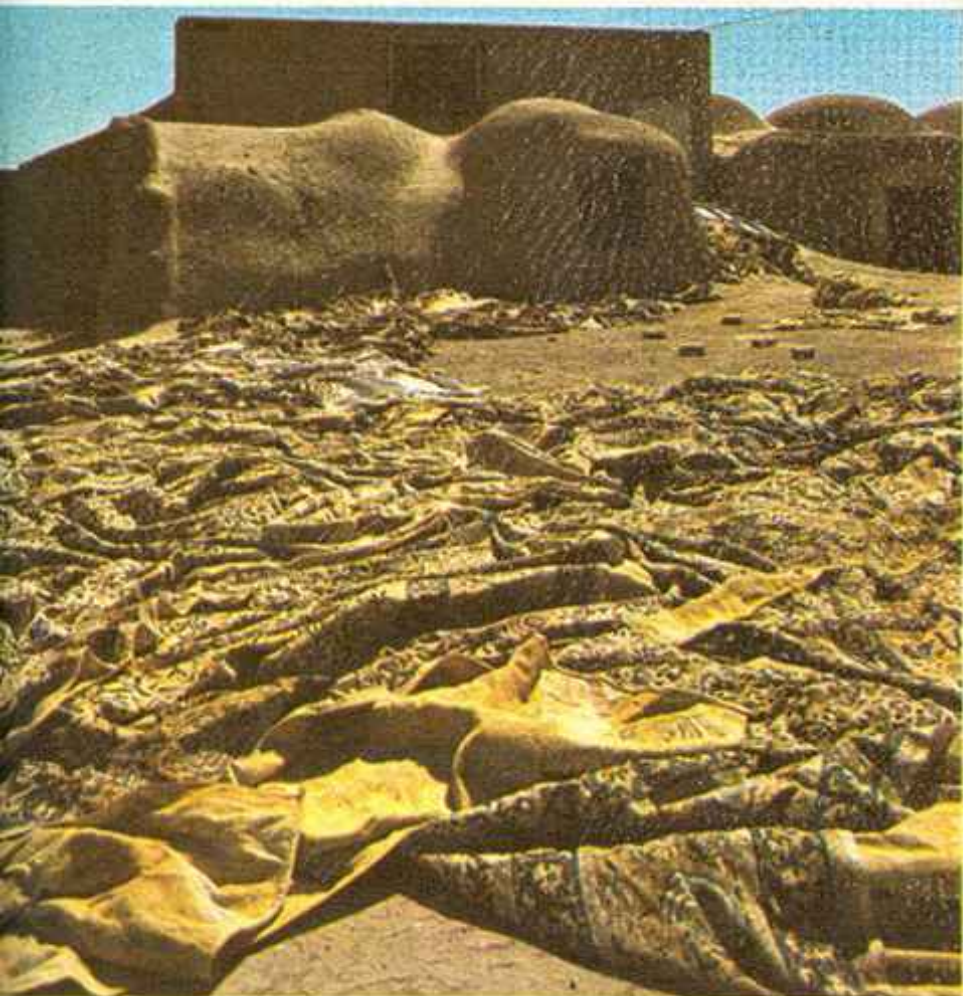
هنگامی که کار بر گرداندن نقش قالب‌ها روی پارچه به پایان رسید، و تمام رنگ‌ها، یعنی مشکی و قرمز و آبی و زرد و سبز، روی پارچه نقش بست، پارچه‌ی تمام نقش گرفته را برای آخرین بار می‌شویند و خشک می‌کنند و اکنون دیگر پارچه‌ی قلمکار، پس از این همه کار، آماده‌ی رفتن به خانه‌هاست.



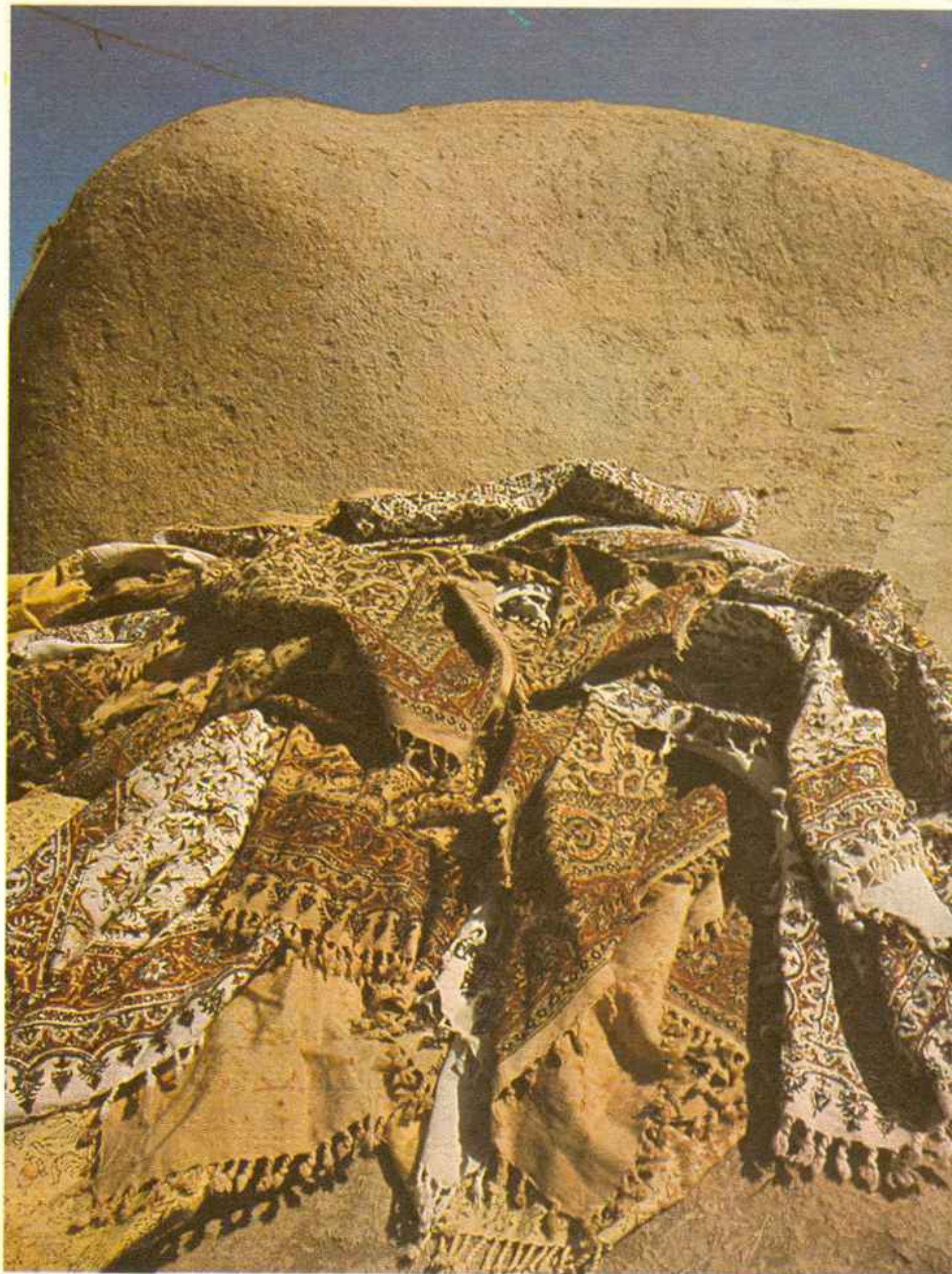
خشك کردن پارچه ها



پارچه‌های قلمکار را روی بام‌های کاه‌گلی
زیبای خانه‌ها و زیر تابش مستقیم خورشید
پهن می‌کنند تا خشک شوند.



و پارچه های قلمکار
آماده است.



بها :
با جلد شمیز ۴۰ ریال
با جلد اعلا ۶۵ ریال

مجموعه ۴۵ هنر ایران



پردازش و پی‌دی‌اف:
راوی حکایت باقی
www.parand.se



سازمان انتشارات

کانون پردازش فیزیکی کودکان و نوجوانان

چاپ شرکت افست «سهامی خاص» چاپخانه ایست و پنجم شهر بزرگ